



## دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی و هنری دو کشور ایران و پاکستان از گذرگاه امن بندر

ابوالقاسم اویسی کهخا<sup>۱</sup> ID، احمد رهدار<sup>۲</sup> ID، یاسر کهرازه<sup>۳</sup> ID

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. ovisi143@gmail.com

<sup>۲</sup> \* (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. rahdar270@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. yaser178@gmail.com

### چکیده

در سال‌های اخیر بنادر جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در تثبیت و تقویت جایگاه ایران به‌عنوان پل ارتباطی آسیا-اروپا و کریدور شمال-جنوب از طریق ارائه خدمات حمل و نقل برعهده داشته‌اند. در این میان، بندر چابهار به علت برخورداری از موقعیت ممتاز در شرق تنگه هرمز و دریای عمان در مسیر خطوط اصلی کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا قرار گرفته و به‌عنوان کوتاه‌ترین راه ارتباطی و ترانزیتی کشورهای آسیای میانه و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط جهان از نقش ممتازی برخوردار است. ایران و پاکستان به‌واسطه استفاده از این مسیر دارای ارتباط فرهنگی و هنری با یکدیگر هستند. بررسی چگونگی این روابط از بستر چابهار مسئله این پژوهش است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با ادامه سیاست‌های پاکستان در راستای ارتباط با کشورهای شمال از طریق بندر گوادر، در سال‌های آتی توسعه این بندر به رقیب مهمی برای چابهار تبدیل خواهد شد. در این زمینه هرچند پاکستان با موانعی همچون کمبود زیرساخت‌های مناسب و کافی، عدم وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، نبود ظرفیت صنعتی و تجاری، عدم امنیت پایدار-حمله به مهندسان چینی فعال در توسعه بندر گوادر مواجه می‌باشد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی دستاوردهای اقتصادی ایران و پاکستان از گذرگاه امن بندر.

۲. مطالعه دستاوردهای فرهنگی و هنری ایران و پاکستان از گذرگاه امن بندر.

### سؤالات پژوهش:

۱. دستاوردهای اقتصادی دو کشور ایران و پاکستان از گذرگاه امن بندر چیست؟

۲. گذرگاه امن بندر چه دستاوردهای فرهنگی و هنری برای کشور ایران و پاکستان دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۷۹ الی ۸۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

راهبردهای کلان،

جمهوری اسلامی ایران،

پاکستان،

بندر چابهار.

### ارجاع به این مقاله

اویسی کهخا، ابوالقاسم، رهدار، احمد، کهرازه، یاسر. (۱۴۰۲). دستاوردهای اقتصادی فرهنگی و هنری دو کشور ایران و پاکستان از گذرگاه امن بندر. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۷۹-۸۸.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.13.2](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.13.2)

 [dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.274059.1544](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.274059.1544)

## مقدمه

امروزه توسعه یافتگی از جمله برنامه های هر کشور و نظام سیاسی می باشد و لذا آن ها در تلاش هستند تا از تمامی بسترهای موجود برای پیشرفت و توسعه بهره برداری نمایند. مرزها در دنیای اقتصاد، سرمایه ذی قیمتی برای کشورها می باشند و هرگونه تبادلات اقتصادی در مرزها صورت می پذیرد لذا مزیت مرز بالاخص مرزهایی با دسترسی به آب های آزاد از جمله آرزوهای هر کشور می باشد. سواحل مکران منطقه ای استراتژیک و سوق الجیشی برای توسعه کشور می باشد و با داشتن ظرفیت و پتانسیل بسیار بالایی می تواند به عنوان محور توسعه کشور نقش زیادی ایفا کند. از آنجایی که اغلب جمهوری اسلامی ایران به واسطه برخی تفکرات ایدئولوژیک مورد تهدید، هجمه و تحریم های مختلف و ظالمانه قرار می گیرد، دسترسی به این شاهراه می تواند برگ برنده ای جهت برون رفت از هرگونه تهدید و ایجاد بستری جهت توسعه کشور باشد. بنادر گوادر پاکستان و چابهار ایران از خصوصیات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی بی نظیری برخوردار هستند و باید به عنوان ایده آل بنادر خواهر توسعه پیدا کنند. هر دو بندر در نزدیکی تنگه هرمز واقع شده اند که دارای دوسوم ذخایر نفتی جهان است. قاچاق گسترده نفت خام هر روز از طریق اقیانوس هند صورت می گیرد. علاوه بر این، هر دو از نظر اقتصادی و استراتژیک، بنادر بسیار مهمی هستند که مجرای اقیانوس هند را فراهم می کنند، جایی که سالانه حدود ۱۰۰۰۰۰۰ کشتی عبور می کنند و ۷۰ درصد از تجارت نفت جهان را تشکیل می دهد. اگر هر دو بندر به طور موازی با یکدیگر کار کنند، پتانسیل آن ها چند برابر می شود و رقابت برای تسلط منطقه ای به وجود می آید (توحیدی، ۱۳۹۷: ۲۴). ظرفیت های موجود از گذرگاه تجاری بندر چابهار بین ایران و پاکستان برای توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی و هنری، ضرورت بررسی این موضوع در قالب یک پژوهش را مطرح می سازد.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، در خصوص روابط اقتصادی، فرهنگی و هنری ایران و پاکستان آثار متعددی نگاشته شده است. یزدان پناه درو (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «عناصر ژئوپولیتیکی تأثیرگذار در همگرایی میان کشورهای ایران، هند و پاکستان و افغانستان و تأثیر آن بر مناطق جنوبی (روش مقایسه ای استفاده از تئوری کانتوری و اشیپگل)» به بررسی نقش ظرفیت های جغرافیایی در روابط چهار کشور پرداخته است. ولی در این اثر به صورت مستقل به بندر چابهار و روابط ایران و پاکستان پرداخته نشده است لذا پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای به رشته تحریر در آمده است، به بررسی این موضوع می پردازد.

## ۱. مفهوم ژئوپلیتیک

تاکنون از دانش واژه، ژئوپلیتیک تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگونی به عمل آمده که به نوعی مخرج مشترک همه آن ها کنش متقابل جغرافیا در مقیاس های مختلف و سیاست در قالب مناسبات قدرت است. بدین مفهوم که قلمروهای جغرافیایی به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری واحدهای سیاسی

نقش آفرینند و به هویت و رویدادهای نواحی جهت می‌دهند. از این‌رو، ژئوپلیتیک به مطالعه کنش متقابل سیاست، قدرت و جغرافیا فضا، مکان و قلمرو می‌پردازد و این مناسبات قدرت به صورت طیفی از هم‌زیستی، هم‌وردی، تنش جنگ در کانون پژوهش‌های جغرافیای سیاسی قرار داشته است. در این میان، جغرافیا برای کنش بازیگران سیاسی و واحدهای سیاسی فضایی در قالب کشورها، گروه‌های ملی و سازمان‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. بر بنیاد چنین ویژگی‌های ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های پدیده‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر دانسته‌اند. در این میان، موقعیت جغرافیایی از عوامل اثرگذار بر ژئوپلیتیک کشورهاست و موقعیت جغرافیایی را به اشکال مختلف موقعیت دریایی، خشکی، راهبردی، حائل، مرکزی و حاشیه‌ای تقسیم‌بندی می‌کنند. جغرافیا اولین گام در تحلیل ژئوپلیتیک کشورهاست و از گذشته تا به امروز نظریه‌پردازان جغرافیایی به آن توجه کرده‌اند. فردریش راتزل، جغرافی‌دان آلمانی برای نخستین بار تحلیلی نظام‌مند از روابط پویا میان جوامع انسانی و زمینی که روی آن زندگی می‌کردند و دیگر اینکه کشورها و مردم، نیازمند کنترل و استفاده انحصاری از سرزمین هستند، ارائه داد (معدنی، ۱۳۹۵: ۱۰).

## ۲. ژئواکونومی

ژئواکونومی، کوتاه‌نوشته برای بیان مفهومی پیچیده است. این دانش، واژه پیوسته اقتصاد و امور مالی با بایسته‌های سیاسی و امنیت جهانی است با پایان دوران جنگ سرد، حوزه مفهومی ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژی به ژئواکونومیک تغییر کرد. ادوارد لوتویک از آمدن نظم نوین بین‌المللی خبر داد و بر این باور بود که زوال جنگ سرد، نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی است. تحولات مهمی در ترتیب و اولویت ابزارهای نفوذ بین‌المللی پدید آمد و مسائل مهم اقتصادی و اقتصاد سیاسی درجه اول یافت. عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند و سازوکارهای اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و دولت‌ها برای تثبیت شخصیت وجودی‌شان در صحنه بین‌المللی بر آن تأکید می‌کنند و این ماهیتی ژئواکونومی است. امروزه عامل انسانی و منابع اقتصادی و میزان تولید ناخالص ملی کشورهاست که در تعیین مناطق راهبردی نقش اصلی را بازی می‌کند و ژئواکونومی رابطه قدرت و فضاست. از این‌رو، تفکر ژئواکونومی شامل ابزارآلات ضروری است که دولت می‌تواند از طریق آن‌ها به تمامی اهدافش برسد و به عبارت دیگر، ارائه نظریه‌های ژئوپلیتیک، بدون در نظر گرفتن قدرت اقتصادی نمی‌تواند وضعیت ژئوپلیتیک سده حاضر را تبیین کند. ژئواکونومی مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه جهانی به‌ویژه از نظر انگیزه سودگرایی تأیید می‌کند. هر زمان که رقابت میان قدرت‌ها در نظام جهانی بر موضوع اقتصاد و برداشتن مرزهای اقتصادی باشد، صحبت از ژئواکونومی است (عبدی، ۱۳۹۶: ۱۲).

### ۳. راهبرد و راهبرد ملی

راهبرد، دانش سیاست‌مداری و کشورداری و راهبرد ملی علم و فن توسعه هماهنگ توانایی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و نظامی یک ملت و کاربرد آن در جهت تحقق اهداف ملی است. درحقیقت، راهبرد ملی شامل ارزیابی‌های پیچیده‌ای از منابع، تکنولوژی، اولویت‌های ملی و عوامل ژئوپلیتیکی است. عواملی که راهبرد همیشه به آن متکی است، شامل دسته اول عواملی که در ژئوپلیتیک هم جزء عوامل ثابت به‌شمار می‌آیند و دسته دوم عوامل ویژه‌ای که از جنگی به جنگ دیگر و حتی در طول درگیری تغییر می‌کنند و مفهوم راهبرد ملی به معنای علم و هنر به‌کارگیری نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی یک ملت یا گروهی از ملت‌ها برای پرداخت بیشترین هزینه پشتیبانی از سیاست‌های اتخاذ شده در زمان صلح یا جنگ تعریف شده است. وزارت دفاع ایالات متحده از راهبرد ملی به‌عنوان هنر و علم توسعه و استفاده از قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و روانی یک ملت، همراه با نیروهای مسلح در زمان صلح و تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی همچنین هنر و علم، به‌کارگیری قدرت ملی برای جنگ با هدف تأمین اهداف ملی تعریف می‌کند. دستیابی به مقاصد ملی در تمام وضعیت‌ها زمان جنگ و صلح را راهبرد ملی دانسته‌اند (رحیمی، ۱۳۹۵: ۸).

### ۴. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران

ایران، در میانه منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد. اهمیت این منطقه در تأمین انرژی جهان، مبادلات اقتصادی، تجاری و نقش راهبردی آن در معادلات امنیتی و دفاعی کشورهای قدرتمند و رقیب، همچنین موقعیت خاص آن در تعاملات کشورهای منطقه، ایران را به یک کشور دارای اهمیت زیاد بین‌المللی تبدیل کرده است. برقراری ارتباط با ایران و عبور از فضای آن از دیرباز تاکنون به‌طور عمده با دو هدف اصلی انجام شده است: نخست، هدف اقتصادی-اجتماعی که برای تأمین آن کالا، مواد، افکار، اندیشه‌ها، انسان‌ها و وسایل حمل‌ونقل از مسیر ایران عبور کرده و مبادی و مقاصد را به هم پیوند داده است و از آن به‌عنوان نقش ارتباطی ایران یاد شده است. دوم، عملیات نظامی که با هدف تصرف ایران و نیز تصرف سرزمین‌های ماورای ایران انجام گرفته است؛ زیرا پهنه‌های آبی اقیانوس هند و دریای عمان در جنوب و دریای مازندران در شمال، امکان اتصال قلمروها و مناطق جغرافیایی واقع در ماورای مرزهای شرقی و غربی را دشوار ساخته‌اند و همچون عامل بازدارنده و مانعی نفوذناپذیر بر سر راه مهاجمان قرار داشته‌اند. از این‌رو، به ناچار مسیر ایران را برای عبور انتخاب کرده‌اند (احمدی، ۱۳۹۵: ۵).

### ۵. امنیت و ثبات داخلی

بندر چابهار در جغرافیای امن و باثبات ایران واقع شده است. مرزهای چابهار همچون سایر مرزهای شرقی و جنوب شرقی کشور از امنیت مناسبی برخوردار است. درحالی‌که مرزها و بنادر دریایی و خشکی مشترک پاکستان، هند و افغانستان با مشکل ناامنی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ثبات و امنیت داخلی بندر چابهار، محرکی قوی برای جذب سرمایه‌گذاری تجار و بازرگانان افغانستان شده است. اینان با توجه به بحران ناامنی در کشورشان و مرزهای پرتلفات

افغانستان و پاکستان، امنیت صادرات و واردات کالا را بسیار ضروری می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که وجود طالبان و ناامنی برای کانتینرهای افغان در مسیر کراچی و گوادر به افغانستان، باعث شد تا تجار و بازرگانان این کشور به جایگزینی راه دیگری بیانیدهند. در واقع، مسیر ترانزیتی که انتظار می‌رود بندر گوادر از طریق بلوچستان پاکستان در مرز چمن وارد خاک افغانستان شود و سپس به کشورهای آسیای مرکزی راه یابد، مجبور است که از دو منطقه ناامن بلوچستان پاکستان و جنوب افغانستان عبور کند. بزرگراه قندهار-کابل و قندهار-زابل-فراه، امن‌تر از بلوچستان پاکستان تصور نمی‌شوند. این درحالیست که مسیر بندر چابهار، امن‌ترین، کوتاه‌ترین و باصرفه‌ترین مسیر حمل‌ونقل و ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی است که صادرات و واردات این منطقه را با محوریت شرق ایران تسهیل می‌کند (زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۵).

## ۶. پروژه‌های توسعه‌ای بندر چابهار

برای ارائه تصویر روشن‌تر از جایگاه راهبردی بندر چابهار، ضرورت دارد تا پروژه‌های در دست اقدام، احداثی و تکمیلی مدنظر قرار گیرد. به‌ویژه اینکه، این پروژه‌ها در ارتباط با طرح‌های دیگری که هر کدام از کشورهای منطقه در نظر دارند، حائز اهمیت است. در این بین، می‌توان به افتتاح نخستین فاز طرح توسعه بندر چابهار (شهید بهشتی)، به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه توسعه‌ای ایران، در دهه پایانی ماه نوامبر ۲۰۱۷ م. اشاره کرد. مراسم افتتاح این طرح، با حضور رئیس‌جمهور ایران و نمایندگان ۱۷ کشور به‌ویژه افغانستان، چین و هند صورت گرفت. مزایای طرح توسعه بندر شهید بهشتی چابهار، علاوه بر اینکه می‌تواند مکمل سایر طرح‌های توسعه منطقه ای ایران و کشورهای همسایه باشد، عبارتند از: افزایش ظرفیت بندر شهید بهشتی از ۲/۵ به ۸/۵ میلیون تن، احداث دو پست اسکله کانتینری و سه پست کالای عمومی به طول ۱۷۰۰ متر، ساخت ۱۴۷۰ متر موج شکن، احداث ۶۴۰ متر ترمینال کانتینری، لایروبی به میزان ۱۵/۸ میلیون متر مکعب، احیاء اراضی به میزان ۲۰۳ هکتار، رشد بارگیری و تخلیه کالاهای نفتی و غیرنفتی، تبدیل چابهار به قطب ترانزیتی منطقه، ایجاد ارزش افزوده، اشتغال‌زایی در جنوب شرق، و رعایت شاخصه‌ای زیست محیطی. پس از توسعه فاز اول، فاز دوم توسعه بندر چابهار آغاز خواهد شد که طبق آن، ۳۸ هکتار از اراضی بهسازی می‌شود و یک ترمینال کانتینری با ۹۰۰ متر اسکله به بندر اضافه خواهد شد. در فازهای سوم، چهارم و پنجم، احداث ترمینال کانتینری با اسکله‌های ۱۲۰۰ متری و ۱۷۰۰ متری برنامه‌ریزی شده است. همچنین تا سال ۲۰۱۷ م. پروژه‌های متعدد توسعه‌ای در بندر چابهار احداث و تکمیل شده‌اند (کیانی، ۱۳۹۱: ۴).

## ۷. سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی ایران

در هر کشوری وجوه نقشه راه روشن و معین برای رسیدن به تعالی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت و ارزش بالایی دارد. چنین نقشه راهی، اولویت‌ها و مسائل اصلی یک کشور را برای توجه به آن‌ها و تقویتشان و سرمایه‌گذاری مالی و اجتماعی در آن‌ها نشان می‌دهد. چنین سیاست‌هایی به‌طور کلی نقش راهبردی و نظم‌دهنده به جریان‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را دارد که با ایفای این نقش، تضمین‌کننده یکپارچگی امور آن کشور در

بلندمدت خواهند بود. مسئله‌ای که ممکن است جای بحث و مذاقه میان صاحب‌نظران باشد تفاوت و شباهت‌های این سیاست‌های کلی و اولویت‌ها در کشورهای مختلف است. سیاست‌های کلی به مجموعه اولویت‌های پیش‌روی یک کشور در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصاد، جامعه، فرهنگ و روابط بین‌الملل گفته می‌شود که به صورت جامع و کلان‌نگر ذکر می‌شوند. از این لحاظ، این مجموعه سیاست‌ها، مفهومی کلی را در خود می‌گنجانند که جامع و کلان‌گر است و برنامه‌ریزان و مسئولان هر حوزه در راستای هر محور از این سیاست‌ها، می‌بایست در سطح جزئی‌تر خط‌مشی‌گذاری کنند. اهمیت وجود سیاست‌های کلی اقتصادی در یک کشور که نمایش‌دهندهٔ محورها و اولویت‌های اصلی حوزهٔ اقتصاد یک کشور در طول مسیر رشد آن کشور است، ابتدای امر از محل لزوم توجه به اقتصاد قابل بررسی است.

اقتصاد به صورت کاربردی، چنانکه صاحب‌نظران بزرگی همچون (بسانکو و براتیگام ۲۰۱۰) بیان کرده‌اند، علم انتخاب است. به این مفهوم که در حوزه‌های مختلف اقتصاد یک کشور همچون حوزهٔ کشاورزی، صنعت، خدمات، رفاه و غیره برای رسیدن به هدف والا به صورت عقلایی تمام کشورها به دنبال انتخاب و خط‌مشی‌گذاری بهینه در تمام حوزه‌ها هستند (با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم که به صورت ویژه شامل قیده‌های مالی، ظرفیت‌های زیرساختی، دانش و نوآوری هستند). در کنار این ویژگی اقتصاد که انتخاب همراه با قید در ماهیت وجودی‌اش قرار دارد، می‌بایست به این نکته توجه شود که هر کشوری اقتصاد خاص خود را دارد که در آن انتخاب‌های مختلف با محدودیت‌های متنوع وجود دارند. به علاوه آنکه اهمیت و نقش اهداف ایدئولوژیک یک کشور خواه از نوع اقتصادی یا از جنس سیاسی، و رای بسیاری از منافع صرفاً اقتصادی است که همچون قطب‌نما، برای برخی، سیاست‌های اقتصادی را نمایان می‌کند (احمدی، ۱۳۹۵: ۵).

#### ۸. راهبردهای کلان پاکستان ناظر بر بندر گوادر

کشیدگی در طول و شکل شمال شرقی-جنوب غربی کشور پاکستان و قرارگیری در بین مناطق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مهم در قاره آسیا باعث شده است تا سرزمین پاکستان از یک موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فردی برخوردار باشد. این کشور از سمت غرب به افغانستان، فلات ایران، جنوب غرب آسیا، منطقه وسیع خاورمیانه و منطقه غنی خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان دسترسی مستقیم دارد و از سمت شرق با آسیای جنوبی و شبه قاره هند پیوستگی جغرافیایی دارد و حتی بخشی از این منطقه ژئوپلیتیکی به حساب می‌آید. از سمت جنوب با پهنهٔ اقیانوسی هند دسترسی مستقیم دارد و از سمت شمال شرقی و شمال در نزدیکی کشور بزرگ چین و منطقه آسیای مرکزی است. این وضعیت باعث به وجود آمدن موقعیت بی‌همتای ژئوپلیتیکی کشور پاکستان شده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۵).

#### ۹. ظرفیت و تقاضای بنادر داخلی

پاکستان از خط ساحلی به طول ۱۰۴۶ کیلومتر در دریای عرب برخوردار است که از مرز هند تا خلیج فارس امتداد دارد. در زمان ایجاد پاکستان، بندر کراچی برای تأمین کالای تجارت حاصل از این دریا و همچنین تسهیلات تجارت ترانزیت به همسایه غربی خود، افغانستان، کارآمد بود. در حال حاضر تجارت حمل‌ونقل پاکستان از طریق بنادر عملیاتی

کراچی و بندر قاسم در حال انجام است. هر دو بندر دارای سیستم حمل و نقل داخلی و مکانی یکسان هستند. بندر کراچی قدیمی‌ترین بندر در پاکستان است که حتی قبل از ایجاد پاکستان نیز فعال بوده است. امروز بندر کراچی مسئولیت پذیرش ۶۸ درصد تجارت دریایی این کشور و ۶۶ درصد تجارت کانتینرهای پاکستان را در اختیار دارد؛ در حالی که بندر قاسم ۳۲ درصد از تجارت ساحل دریا کشور را در اختیار دارد. بندر قاسم در دهه ۱۹۸۰ برای جابه‌جایی بار از بندر اصلی کراچی و همچنین برای رسیدگی به محموله‌های صنعتی تأسیس شده است. امروزه به دلیل ازدحام شدید در هر دو بندر، بندر قاسم همچنین از حمل محموله‌های صنعتی، کالاها و گندم جدا می‌کند. در دوران مدرن، کانتینرسازی در حمل و نقل بین‌المللی پیشرفت کرده است. این گرایش جهانی تأثیرات برابر بر پاکستان دارد. با گذشت سال‌ها، گسترش قابل توجهی در تجارت حمل و نقل رخ داده است و در این شرایط نیاز جدی به بندر سوم برای تحقق الزامات نوظهور احساس می‌شود. حجم حمل و نقل کانتینر در بنادر کراچی به سرعت از ۵۰۵، ۰۰۰ واحد معادل بیست فوت (TEU) در سال ۱۹۹۸ به ۸۲۴، ۰۰۰ TEUS در ۲۰۰۴ و در ظرفیت انتقال کالا بندر قاسم از ۱۳۳، ۰۰۰ TEU در سال ۱۹۹۸ به ۴۲۱، ۰۰۰ TEU در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است. تجارت این بندرهای دوقلو تا پایان سال ۲۰۱۵ حدود ۹۱ میلیون تن است (همان: ۵).

#### ۱۰. ادغام اقتصادی منطقه‌ای در عصر جهانی‌سازی

تجارت به یک عامل مهم برای توسعه اقتصادی و ادغام مناطق تبدیل شده است. براساس گزارش کمیسیون اروپا، داستان موفقیت منطقه جنوب شرقی آسیا به‌ویژه کشورهایی مانند تایوان و کره جنوبی نشان می‌دهد که پیگیری سیاست‌ها و اجرای آن‌ها در جهت صحیح می‌تواند ادغام اقتصادی و رشد در مناطق را توسعه دهد. از سال ۱۹۸۰، آسیای جنوبی پیشرفت قابل توجهی را در زمینه رشد تولید ناخالص داخلی تجربه کرده است. این منطقه حدود ۷.۲ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را به دست آورده است و بهره‌وری کار و سرمایه حتی از اقتصادهای شرق آسیای تایلند، فیلیپین، مالزی و اندونزی بیشتر بوده است. با این وجود، به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های ارتباطی مناسب برای حمل و نقل مانند بنادر کافی، شبکه راه و راه آهن، مناطقی مانند جنوب آسیا، آسیای میانه و غرب آسیا قادر به دستیابی به نتایج مطلوب در تولید، مصرف و تجارت نیستند. نبود بنادر مدرن و حمل و نقل، تجارت درون منطقه‌ای هرگز به‌طور کامل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تجارت بین کشورها همواره به دلیل هزینه‌های بالای حمل و نقل، تأخیر در تحویل محصولات و حتی وقوع اتفاقاتی مانند برخورد کشتی‌ها و غیره در منطقه آسیای میانه همیشه متحمل می‌شود. کشورهایی که از بستر دریا محاصره شده‌اند و برای تأسیسات حمل و نقل به پاکستان وابسته هستند و بندر گوادر می‌تواند مسیر متناوب را برای آن‌ها فراهم کند. در حال حاضر، کشورهای توسعه یافته معمولاً فعالیت‌های اقتصادی خود را از طریق مقامات بندری، وزارتخانه‌های اقتصادی و بازرگانی / بخش‌ها با تفاهم متقابل و سیاست‌های تجاری استاندارد دنبال می‌کنند. تجارت دریایی به‌طور چشمگیری در درآمد ملی و رونق اقتصادی کشورهای توسعه یافته نقش دارد. حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد تجارت جهانی (هم از نظر وزن و هم از نظر حجم) دریایی است. اقتصاد پاکستان تا حد زیادی به تجارت دریایی وابسته است که تخمین زده می‌شود ۹۷ درصد از کل تجارت این کشور باشد (همان).

## ۱۱. نقش گذرگاه بندری در دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی و هنری ایران و پاکستان

امروزه توسعه یافتگی از جمله برنامه‌های هر کشور و نظام سیاسی می‌باشد و کشورها در تلاش هستند تا از تمامی بسترهای موجود در زمینه پیشرفت و توسعه بهره‌برداری کنند. مرزها در دنیای اقتصاد، سرمایه مهمی برای کشورها می‌باشند و هرگونه تبادل اقتصادی در مرزها صورت می‌پذیرد لذا مزیت مرز بالاخص مرزهایی با دسترسی به آب‌های آزاد از جمله آرزوهای هر کشور می‌باشد. سواحل مکران منطقه‌ای استراتژیک و سوق‌الجیشی برای توسعه کشور می‌باشد و با داشتن ظرفیت و پتانسیل بسیار بالایی می‌تواند به‌عنوان محور توسعه کشور نقش زیادی ایفا کند و از آنجایی که اغلب جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه برخی تفکرات ایدئولوژیک مورد تهدید، حمله و تحریم‌های مختلف و ظالمانه قرار می‌گیرد، دسترسی به این شاهراه می‌تواند برگ برنده‌ای جهت برون‌رفت از هرگونه تهدید و ایجاد بستری جهت توسعه کشور باشد. بنادر گوادر پاکستان و چابهار ایران از خصوصیات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی بی‌نظیری برخوردار هستند و باید به‌عنوان ایده‌آل بنادر خواهد توسعه پیدا کنند. هر دو بندر در نزدیکی تنگه هرمز واقع شده‌اند که دارای دوسوم ذخایر نفتی جهان است. اگر هر دو بندر به‌طور موازی با یکدیگر کار کنند، پتانسیل آن‌ها چند برابر می‌شود و رقابت برای تسلط منطقه‌ای به‌وجود می‌آید. ظهور قدرت‌های اقتصادی نوین در حاشیه اقیانوس هند این منطقه را تبدیل به عرصه‌ای از رقابت‌ها و کنش‌های ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سده ۲۱ کرده است. در این راستا چین به‌عنوان قدرت نوظهور جهانی در رقابت با قدرت‌های رقیب خود تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در نقاط استراتژیک اقیانوس هند نظیر گوادر پاکستان از تنگنای ارتباطی و ژئوپلیتیکی رهایی یافته و بتواند به برتری خود در عرصه اقتصاد جهانی ادامه دهد. این امر موجب می‌شود که وزن ژئوپلیتیکی و اقتصادی پاکستان ارتقا یافته و از طرفی پیامدهایی را بر منطقه از جمله بر بندر چابهار ایران به‌همراه داشته باشد. از زمان امضای موافقت‌نامه سه‌جانبه میان کشورهای ایران، افغانستان و هند برای «توسعه همکاری بر محور بندر چابهار»، این مفروض که توسعه این بندر در تقابل با بندر گوادر قرار دارد، به‌طور گسترده‌ای مطرح شده است.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد نخستین موافقت‌نامه فرهنگی بین دو کشور در اسفند ماه ۱۳۳۴ به امضاء رسید، موافقت‌نامه و زمینه برای همکاری‌های بیشتر فراهم گردید و براساس آن صدها دانشجوی استاد، هنرمند از دو کشور مبادله شد که هر ساله نیز این مبادلات فرهنگی ادامه یافته است. هم‌اکنون تعداد زیادی دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی پاکستان در رشته‌های مختلف به تحصیل اشتغال دارند و متقابلاً تعداد قابل ملاحظه‌ای دانشجوی پاکستانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ایران مشغول تحصیل می‌باشد. عده زیادی از این دانشجویان از بورس‌های فرهنگی دو کشور استفاده می‌کنند. همچنین در غالب دانشگاه‌های پاکستان کرسی زبان و ادب فارسی دائر می‌باشد. علاوه بر آن تدریس زبان فارسی در دوره اول دبیرستان‌های این کشور نیز معمول است. امروزه نیز این پیوندها به‌واسطه روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوسته در حال گسترش است و مسئولان دو استان طی سه دهه گذشته همواره کوشیده‌اند که این روابط را تحکیم بخشند.



ایران و پاکستان به‌عنوان دو کشور همسایه از دیرباز دارای روابط گسترده سیاسی و فرهنگی بوده‌اند. بدون شک یکی از مهم‌ترین عواملی که نقشی مهم در روابط دوستانه و همگرایی این دو کشور داشته اشتراک در فرهنگ مذهبی بوده است. به‌صورت تاریخی دو کشور دارای پیوندهای فرهنگ و هنری (ژئوکالچری)، ژئوپلیتیکی و جغرافیایی فراوانی‌اند؛ این مهم خود مدخلی است بر نیل به روابط مطلوب‌تر در سایر زمینه‌ها به‌طوری‌که دو کشور قادراند با مشارکت بهتر و جدی‌تر در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نظیر: پیمان سیاسی-اقتصادی شانگهای و پیمان اقتصادی اکو، سازمان کشورهای اسلامی و گروه موسوم به دی هشت؛ با ماهیت دوگانه ژئوپلیتیک-ژئواکونومی روابط ما بین را ارتقاء ببخشند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵).

### نتیجه‌گیری

براساس اسناد بالادستی نظام ج.ا.ایران، توجه به همسایگان از اولویت‌های سیاست خارجی کشور بوده و به‌واسطه شرایط منحصربه‌فرد ج.ا.ایران از حیث همسایگی با ۱۵ کشور (مرزهای زمینی و دریایی)، واجد فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی در ابعاد مختلف امنیت ملی است که به‌ویژه در شرایط کنونی، بالفعل ساختن آن‌ها می‌تواند استقامت کشور را در برابر ضربات، حمله‌ها و فشارهای خارجی و پیرامونی از جمله تحریم‌ها بالا برد. پاکستان از جمله همسایگانی است که در عین پیچیدگی مناسبات سیاسی چندوجهی با ج.ا.ایران فرصت‌هایی در خود نهفته دارد. ظرفیت‌های قابل‌توجهی در روابط ایران و پاکستان وجود دارد که می‌تواند به‌هم‌وابستگی دو کشور را به ارمغان آورد. با این حال، برای حرکت بدان سمت و سو، ابتدا لازم است جایگاه روابط ایران و پاکستان به یک اولویت- وکلیت پاکستان به اولویت سیاست خارجی ایران تبدیل شود. رساندن روابط دو کشور به سطح راهبردی، البته فرآیندی زمان‌بر و هزینه‌بر است. از آنجایی که امنیت مهم‌ترین پیش‌نیاز یا به‌عبارتی زیرساخت اصلی هرگونه توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی با کشورهای دیگر است، نبود آن در مرزهای ایران با پاکستان یا به‌عبارت بهتر، نبود تضمین برای برقراری امنیت از سوی پاکستان در این منطقه سبب شده تا دیگر روابط این دو کشور نیز تحت‌تأثیر قرار گیرد و به مقصد و مقصود اصلی خود نرسد. دو فاکتور قومیت‌گرایی و افراط‌گرایی دینی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در مرز ایران و پاکستان به‌شمار می‌روند. الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز به مؤلفه‌هایی همچون: مافیای مواد مخدر، قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان، وجود مرزهای طولانی مشترک، سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان، قرار گرفتن در کانون بحران خیز خاورمیانه، تحرکات گروه‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران‌زا، تردهای غیرمجاز مرزی، اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در پاکستان و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی بنادر چابهار و گوادر وابسته است.

## منابع و مأخذ:

## کتاب‌ها

بلوچ، محمود. (۱۳۹۴). چابهار بندر طلایی ایران، چاپ اول، تهران: نشر آرامش، مؤسسه نشاط.

## مقالات

احمدی، سیروس؛ کاوندی کاتب، ابوالفضل. (۱۳۹۵). اقیانوس هند و ضرورت‌های ارتقای سواحل مکران. همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپولیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور. دوره اول.

اسدی، امیدعلی؛ امینی، علی‌اکبر و تاجری، منصور. (۱۴۰۰). «بررسی اثر فرهنگ و هنر اسلامی در واگرایی و همگرایی ایران و پاکستان». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۹، ش ۴۲، ۱۵-۷.

توحیدی، زهرا؛ طباطبایی پناه، سیدعلی. (۱۳۹۷). «رقابت چابهار و گوادر: از تصور تا واقعیت»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، ۹۷-۱۲۴.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). «تحلیل ظرفیت‌های ژئوپولیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۳، ش ۶، ۲۰-۱.

چابهار شاه کلید توسعه شرق کشور. (۱۳۹۱). همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی.

رحیمی، حسن. (۱۳۹۵). «بسترها و زمینه‌های منازعه و رقابت بین کشورهای منطقه ژئوپولیتیکی اقیانوس هند»، پژوهشکده شاخص پژوه، دانشگاه تربیت مدرس، انجمن آمایش سرزمین.

زرقانی، سیدهدادی؛ قلی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران»، همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار نیروی دریایی ج.ا.ا.

عبدی، عطاله؛ رجب‌نژاد، ناصر. (۱۳۹۶). «تبیین پیامدهای ژئوپولیتیکی سرمایه‌گذاری چین، در گوادر بر بندر چابهار»، نشریه جغرافیا و توسعه. دوره ۱۵، ش ۴۶، ۲۰۶-۱۸۵.

کیانی مقدم، منصور. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر وضعیت و ظرفیت بندر چابهار در مقایسه با بندر گوادر». اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی.

معدنی، جواد. (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های راهبردی جنوب شرق ایران»، همایش ژئوپولیتیک جنوب شرق ایران.